

آموزش فا در کنفرانس بین‌المللی فای واشنگتن دی سی ۲۰۰۹

(لی هنگجی ~ ۱۸ جولای، ۲۰۰۹)

[ترجمه‌ی پیش‌نویس]

شما سخت کار کرده‌اید!

ما تازه کنفرانس فای نیویورک را به اتمام رساندیم، و شما را آن‌جا دیدم. این بار نمی‌خواهم زیاد صحبت کنم، بنابراین کمی دیر آمدم. (خنده) (تشیویق حضار) اینجا در این دنیا وضعیت امور به‌طور بسیار زیادی تغییر کرده است، که دلیل آن پیشرفت سریع اصلاح-فا به‌صورت کل و نیز کارهایی که مریدان دافا با هم‌دیگر انجام داده‌اند تا موجودات ذی‌شعور را نجات دهند و به‌فا اعتبار ببخشند است. شما این را دیده‌اید، و مردم دنیا نیز همین‌طور. پیش‌تر در زمانی‌که آزار و شکنجه در ۲۰ جولای ۱۹۹۹ شروع شد، بسیاری از افراد اظهار قطعی کردند که فالون‌گونگ بیش از چند روز دوام نمی‌آورد. برخی از افرادی که می‌خواستند از فالون‌گونگ حمایت کنند در نتیجه‌ی این عقیده و تصور، موضعی اختیار نکردند. سرکوب دانشجویان در کشتار تیان‌آن‌من توسط ح‌ک‌چ، در بسیاری از افراد امید کمی برای چین باقی گذاشت، و برخی از افراد بودند که حتی به‌طور علنی گفتند که فالون‌گونگ هیچ توجهی را جلب نمی‌کند چراکه آن نیز بیش از چند روز قادر نیست در مقابل سرکوب بایستد. در هر حال هر ذهنیتی که وجود داشت تا باعث شد آن‌ها چنین بگویند، فالون‌گونگ به شکلی که آن‌ها پیش‌بینی کردند ختم نشد. فالون‌گونگ از آن با موفقیت عبور کرد (تشیویق پرشور)، و آن را بدون بهره‌مند شدن از حمایت خارج انجام داد. (تشیویق پرشور) این واقعاً باعث شده است که مردم دنیا با نگرشی تازه به ما نگاه کنند، و این نشان می‌دهد که چگونه مریدان دافا، تزکیه‌کنندگان فالون‌گونگ خارق‌العاده هستند. در واقع برخی از افراد از حالت بی‌تفاوتی، به حالت توجهی دقیق داشتن، از به‌صورت سرگرم‌کننده‌ای تماشا کردن آن‌چه اتفاق می‌افتد، به تحسین کردن، تغییر شکل داده‌اند.

اما به همین چیزها ختم نشده است: اصلاح-فا هنوز هم در حال پیش‌روی به جلو است؛ مریدان دافا هنوز هم بی‌وقفه در حال اعتباربخشی به فا و نجات موجودات ذی‌شعور هستند؛ و روی هم رفته، وضعیت هنوز هم به‌سرعت در حال تغییر است. همان‌طور که عوامل شیطان در بعدهای دیگر در تعداد وسیعی به‌طور پیوسته نابود می‌شوند، مردم دنیا ذهن‌شان روشن‌تر شده است. و با کاهش آن عوامل بد که افکار مردم را کنترل می‌کنند، مردم دنیا در حال حاضر قادرند به‌طور خردمندانه‌ای درباره‌ی این آزار و شکنجه و مریدان دافا فکر کنند. در واقع، این که مردم دنیا چگونه ما را در نظر می‌گیرند حیاتی یا حتی مهم نیست. آن چیزی که مهم‌ترین است انجام دادن کارهای مان به‌خوبی است. همان‌طور که مورد آزار و شکنجه قرار گرفته‌ایم توجهی به این که مردم چه نگرشی دارند نکرده‌ایم، و امیدمان را به مردم عادی نبسته‌ایم که کاری برای دافا انجام دهند؛ و از نجات مردم دنیا یا موجودات ذی‌شعور نیز دست نکشیده‌ایم. نجات مردم کاری است که فقط مریدان دافا می‌توانند انجام دهند-- این مسئولیتی تاریخی و به‌یادماندنی است. حتی زمانی که آزار و شکنجه در شدیدترین وضع خود بود، در مسئولیتی که به‌عنوان مریدان دافا دارید هرگز کوتاهی نکردید. و در حالی که آزار و شکنجه بسیار شدید بود، همیشه به‌یاد داشتید، از ابتدا تا انتها، که تزکیه‌ی محکم و استوار را به‌عنوان چیزی بنیادی ببینید، بدین ترتیب به روشی خردمندانه به فا اعتبار ببخشید و موجودات ذی‌شعور را نجات دهید.

درواقع، وقتی آزار و شکنجه در ابتدا شروع شد، افراد در بسیاری از کارهایی که در حال انجام آن بودند کم و کاستی داشتند. آن چیزی اجتناب‌ناپذیر بود، چراکه بسیاری از افراد نمی‌دانستند که در ابتدا چه کاری انجام دهند. آن‌ها ناگهان با این آزار و شکنجه که ناگهان پدیدار شد و با این دروغی که زمین را پوشاند مواجه شدند. و اطلاعات نادرست در تمامی دنیا پخش شده بود، چرا که فالون‌گونگ رسانه‌ی خاص خود یا محلی که در آن صحبت و تبادل نظر کنند را نداشت. تمامی رسانه‌های دنیا تبلیغاتی که

توسط ح کچ منتشر شده بود را تکرار کردند، و این کار به منزله‌ی آزار و شکنجه‌ی فالون گونگ و مریدان دافا، به‌نماینده‌ی از طرف ح کچ بود، به‌صورتی که مقیاس آن درحال فراگیر شدن بود— تقریباً هر گوشه‌ی زمین پخش شد. حتی آن هنگام نیز ما نترسیدیم. هرچه باشد، تزکیه‌کنندگان به چیزهای عادی بها نمی‌دهند. تزکیه کردن موضوعی درخصوص رهنمیدن خود است. و آن‌چه که شخص تزکیه می‌کند خودش است، بدون این که اهمیتی به آن‌چه دیگران ممکن است بگویند بدهد. دقیقاً این‌طور است که مریدان دافا مأموریت دارند که موجودات ذی‌شعور را نجات دهند، بنابراین آن‌ها به موجودات ذی‌شعور توجه دارند. این شبیه طوری که امور در شکل‌های تزکیه‌ی گذشته بود نیست. و بیش‌تر این‌که، نوع مسئولیتی که مستلزم آن است، تاریخی و به‌یادماندنی است. موجودات ذی‌شعور در مقابل شما، مردم، این‌جا در دنیای امروزی، از حیات‌های هر دوره در تاریخ متفاوت هستند. گرچه به‌نظر می‌رسند که موجودات بشری باشند، اما بسیاری از سطوح بالاتر آمدند و درواقع بازپیداشده‌ی خدایان هستند. این مسئله مسئولیت مرتبط با نجات آن‌ها و آن‌چه را که درحال انجام هستید مهم‌تر و خارق‌العاده‌تر، و هم‌چنین مطلقاً ضروری می‌سازد. اگر این‌گونه نمی‌بود، آزار و شکنجه این‌قدر طول نمی‌کشید، و نیز وجود آن ادامه نمی‌یافت. هرچه باشد، اگر این صرفاً گروهی از افراد می‌بود که درحال تزکیه‌ی شخصی هستند، هیچ تهدیدی برای نیروهای کهن مطرح نمی‌کرد. بلکه، آن‌چه که نیروهای کهن و عوامل بد را برانگیخت نیاز کیهان به اصلاح— فا بود. آزار و شکنجه‌ای که در اجتماع بشری دیده می‌شود صرفاً تجلی در این سطح است. عوامل بد پدیدار شدند زیرا، همان‌طور که به‌آسانی می‌تواند دیده شود، شکل تزکیه‌ای که مریدان دافا دارند آن‌ها را در اجتماع عادی قرار داده و متفاوت از شکل‌های گذشته است؛ زیرا چنین گروه بزرگی از مردم را شامل می‌شود؛ و زیرا تأثیر مثبت آن، تعادل بین آن‌چه که درست و شرارت‌آمیز است، بین خوب و اهریمنی را به‌هم ریخت. اما حتی آن‌گاه نیز، آن کافی نمی‌بود تا موجب آزار و شکنجه در چنین مقیاسی شود. این به‌خاطر نظم و ترتیب‌هایی توسط کیهان کهن، ترکیب‌شده با حیات‌های بد بعدی دیگر که درطول اصلاح— فا به‌طور پیوسته جمع شده و به پایین سقوط کرده است می‌باشد، و این دلیل آن است که چرا میدان بعدی در این دنیا به‌طوری استثنایی بد شد. این باعث شده است که اخلاقیات اجتماع سقوط کند و قلب مردم به‌صورت تأثیرگذاری تغییر یابد، این دنیا را حتی آشفته‌تر از گذشته سازد؛ سخت‌تر سازد که موجودات ذی‌شعور را نجات داد؛ و تجلی اهریمنی این‌جا را حتی بدتر سازد. تنها این حقیقت که مریدان دافا توانستند از چنین اوضاعی با موفقیت گذر کنند خارق‌العاده است، چه رسد به این حقیقت که آن‌ها درحال نجات موجودات ذی‌شعوری می‌باشند که در چنین حالت فلاکت‌باری هستند.

در شروع، واقعاً این‌طور بود که نمی‌دانستید چه کار کنید، و برخی از افراد به‌اندازه‌ی کافی آرام یا متعادل نبودند. با آن فشار، حالت تزکیه‌ی مریدان دافا به‌طور وسیعی تفاوت داشت، و این برای ما مشکل ساخت که کارهایی را که انجام دادیم هماهنگی کنیم. این دقیقاً حقیقتی از تزکیه است که همیشه افرادی وجود دارند که کوشا هستند و افرادی که کوشا نیستند، و ذهنیت‌های بشری گوناگونی به [تزکیه] آورده شده و با آن مخلوط می‌شوند، که تمام این‌ها امور را پیچیده می‌سازند. قبلاً گفته‌ام که هیچ‌کسی نمی‌تواند این فا را مورد آزار و اذیت قرار دهد، و این‌که، یک تأثیر منفی می‌تواند فقط توسط مریدان دافا وقتی نمی‌تواند خوب عمل کنند روی دهد. شما مشاهده کرده‌اید که این آزار و شکنجه تا چه اندازه توانسته است کاری نسبت به فالون گونگ انجام دهد، درست؟ هیچ کار— آن ناتوان است. این آزار و شکنجه می‌تواند فقط تقوای عظیم تزکیه‌کنندگان را افزایش دهد، و به‌جز آن چیزی نیست، و به‌جز حتمی کردن نابودی [شیطان] درحالی که آزار و شکنجه به پایان می‌رسد هیچ تأثیر دیگری ندارد. درطول این جدال بین خوب و اهریمن، مریدان دافا از مرحله‌ای که در ابتدا با هم به‌خوبی همکاری نمی‌کردند به مرحله‌ای که به‌تدریج قادر شدند با هم‌دیگر کار کنند گذر کرده‌اند، و به‌تدریج خردمندتر شده‌اند. اگرچه در این مرحله هنوز هم در بسیاری از زمینه‌ها و در بسیاری از مکان‌ها شواهدی از هماهنگی و همکاری ضعیف وجود دارد، اما مریدان دافا به‌عنوان یک بدن، وقتی به امور به‌صورت کل نگریسته شود، از طریق تزکیه و اعتباربخشی به فا در این سال‌ها آبدیده شده‌اند به‌طوری که به‌طور فزاینده‌ای به بلوغ رسیده و خردمند می‌شوند. شما از مرحله‌ای که نمی‌دانستید چه کار کنید و خردمند باشید، ذره ذره به مرحله‌ای که بدانید چه کار کنید و خردمند شوید گذر کرده‌اید.

تزکیه در گذشته صرفاً موضوعی درخصوص کمال خود شخص بود، و این که یک شخص چگونه به خوبی یا به طور ضعیفی عمل می کرد فقط آن یک شخص را هدف قرار می داد. در حال حاضر شما باید موجودات ذی شعور را نجات دهید، و این به معنی این است که هماهنگی با هم دیگر و همکاری دخیل شده است. همان طور که با هم دیگر کار می کنید وابستگی های بشری ظاهر خواهند شد. قسمت خوشایند این است که بدون توجه به این که [چه چیزی ظاهر شده است]، بخش عمده ی مریدان ما همیشه خوب بوده اند و انگیزه ی شما صحیح بوده است. حتی اگر وابستگی های بشری درگیر بوده است یا عوامل برنامه ریزی شده توسط نیروهای کهن وجود داشته است، نقطه ی شروع شما این بوده که به فا اعتبار ببخشید، و این چیزی است که هیچ کسی نمی تواند تغییر دهد. و به همین دلیل، تلاش های شما برای اعتباربخشی به فا و نجات موجودات ذی شعور متوقف نشده است. وقتی هماهنگی ضعیف بود، خودتان شخصاً کارها را به صورت پویا و فعالی انجام دادید؛ وقتی در مقیاس وسیعی هماهنگی ضعیف بود، کارها را در مقیاس کوچک تری انجام دادید؛ و وقتی هماهنگی خوب شد، کارها را با هم دیگر انجام دادید. بنابراین وضعیت هرگونه که بود، شما از آن با موفقیت گذشتید. امیدوارم به پیش که می روید درخصوص هر کاری که قرار است انجام دهید، خوب عمل کنید و با خردمندی حتی بیش تری این چنین عمل کنید.

این قابل توجه است که اعتباربخشی شما به فا و نیز تزکیه ی شخصی تان، آن گونه که امروز است شده است. شما تا نقطه ی بلوغ آبدیده شده اید، و روندی که منجر به این شد، روندی از زدودن وابستگی های بشری بود. اگر کمی بیش تر بگوییم، می خواهیم بگوییم که تمام آن چه که انجام می دهید با تزکیه ی شخصی تان درهم تنیده شده است، و هر کاری که انجام می دهید به هیچ شکلی فقط به منظور آن کار به تنهایی نیست، و آن چه که انجام می دهید هرگز جدا شده نیست. هر چیزی به اصلاح- فا گره خورده است، هر چیزی به مسئولیت های مریدان دافا گره خورده است، و هر چیزی به تزکیه ی شخصی شما گره خورده است. تمامی این ها جدانشدنی هستند. بنابراین، اعمال شما بازتابی از حالت تزکیه ی شما است. وقتی با هم دیگر مشغول انجام کار هستید و احساس بد رفتاری می کنید یا عصبانی می شوید، در آن لحظه برای تان سخت است که درباره ی نقش تان در آن موضوع تعمق کنید یا به درون نگاه کنید و پی ببرید که حالت شما چگونه است یا چه وابستگی مسبب آن واقع شده است. اکثر اوقات [از این به هم می ریزید] که پیشنهاد شما پذیرفته نمی شود یا این که کسی را پایین تر از خود در نظر می گیرید. تجلی این دو وابستگی محتمل است که بسیار شدید باشد. می توانم ببینم که حتی حالا هم این چیزها هنوز وجود دارند. اما هر موردی که باشد، هر چه باشد این تزکیه است، و امیدوارم که بتوانید خودتان را منضبط کنید طوری که حتی پخته تر و خردمندتر شوید، و بیش تر و بیش تر مانند یک تزکیه کننده رفتار کنید.

این صحت دارد که در گذشته گفته ام که زمان باقی مانده برای اصلاح- فا به آن زیادی نبوده، در واقع خیلی کوتاه است. من واقعاً امیدوارم که به سرعت به بلوغ برسید و خردمند شوید، و بدین گونه اجازه دهید این امر در زمان کوتاهی به پایان برسد. اگر مریدان دافا نتوانند همگی خردمند و بالغ باشند، و به جای آن اغلب با قالب ذهنی بشری عمل کنند-- و علاوه بر آن، ذهنیتی که بسیار شدید متجلی می شود-- چگونه این امر می تواند به پایان برسد؟ چگونه یک نفر می تواند بگوید که مریدان دافا تزکیه شان را کامل کرده اند؟

چیز دیگر این است، برخی از افراد مشکل داشته اند پی ببرند که نجات موجودات ذی شعور چه قدر فوری است. و فقط این تعداد مریدان دافا وجود دارند که در حال حاضر روی این کار می کنند. برخی از افراد قدم پیش نگذاشته اند و این کار را به طور جدی بر نمی گزینند، و فکر نمی کنند که نجات موجودات ذی شعور این اندازه مهم است. در واقع، مسئولیت های شما به عنوان مریدان دافا همگی درست این جا قرار دارند. اگر برای نجات موجودات ذی شعور کاری انجام ندهید، به عنوان یک مرید دافا مسئولیت خود را به انجام نرسانده اید و تزکیه ی شما هیچ به حساب می آید، چرا که مرید دافا شدن شما برای خاطر کمال خود شما نبود. این بدین معنی است که شما مأموریتی تاریخی و به یادماندی را به دوش می کشید.

امیدوارم که همان طور که زمان می گذرد، بیش تر و بیش تر شبیه مریدان دافا عمل کنید و پیوسته بهتر همکاری کنید. وقتی کارها را انجام می دهید دیگران را در نظر بگیرید، و وقتی با ناسازگاری ها مواجه می شوید به خودتان نگاه کنید. احتمالاً همگی می دانید که چگونه درباره ی این صحبت کنید و معنی این کلمات را می دانید، اما در لحظات بحرانی آن ها را در عمل به کار نمی گیرید.

من این کلمات را در هر کنفرانس فا تکرار می‌کنم و درباره‌ی این موضوع به شما آموزش می‌دهم. اگر همگی می‌توانستید آن‌چه را که توصیف کردم به انجام برسانید، آن‌گاه آن مشاجرات بین شما وجود نمی‌داشت. اگر همگی می‌توانستید این را به انجام برسانید، هر چیزی می‌توانست حل و فصل شود و می‌توانستید از عهده‌ی این برآیید تا با هم‌دیگر به‌خوبی کار کنید.

آن‌هایی که از سرزمین چین آمده‌اند و با دنیای خارج آشنا نیستند، اطمینان دارم که، این چیزها را درک می‌کنند و به‌سرعت جذب این اجتماع می‌شوند. بنابراین این بزرگ‌ترین موضوع نیست. بزرگ‌ترین موضوع داشتن ذهنیت بشری بیش از حد است. البته، از آن‌جا که درباره‌ی ذهنیت بشری صحبت می‌کنیم، مایلیم بگوییم که وقتی به فا اعتبار می‌بخشید، موجودات ذی‌شعور را نجات می‌دهید، و تزکیه را انجام می‌دهید، نیاز دارید افکار درست قوی داشته باشید، اما، طوری که در زندگی روزانه و به‌عنوان بخشی از جامعه عمل می‌کنید نمی‌تواند غیرطبیعی باشد. اگر فکر کنید که ما باید شبیه موجودات خدایی زندگی خود را بگذرانیم، و وقتی در خیابان قدم می‌زنید به‌طور متفاوتی رفتار کنید، یا طرز برخورد شما در زندگی عادی به چیز دیگری تغییر یابد، آن‌گاه این بردن آن به یک افراط است. باید درحالی که با روش اجتماع عادی تا حد اکثر امکان هم‌ساز باشید تزکیه کنید، و این چیزی است که به شما گفته‌ام که انجام دهید. بنابراین نیاز دارید که با خردمندی و به شیوه‌ای قابل احترام تزکیه کنید. فکر نمی‌کنم تعادل این چیزها باید برای شما سخت باشد. هرچه باشد، تا حالا درک کرده‌اید که امور چگونه کار می‌کنند. افراد زیادی وجود ندارند که غیرمنطقی باقی مانده باشند.

من واقعاً نگران آینده‌ی تمام آن افرادی هستم که در بین مریدان دافا غیرطبیعی رفتار می‌کنند، هر شکلی که ممکن است داشته باشد. این شامل آن‌هایی می‌شود که به‌طور خردمندانه‌ای فکر نمی‌کنند؛ آن‌هایی که چیزهای بی‌معنی و نامعقول می‌گویند؛ آن‌هایی که نقشی منفی ایفا می‌کنند از این طریق که به‌طور مشخصی در جستجوی آن‌هایی که کوشا نیستند، وابستگی‌های بشری زیادی دارند یا شبیه تزکیه‌کنندگان رفتار نمی‌کنند هستند و می‌خواهند با آن‌ها باهم باشند؛ آن‌هایی که با مأموران ویژه تعامل می‌کنند؛ یا آن‌هایی که به‌طور غیرمنطقی و آگاهانه بین شاگردان ما باعث مشکل می‌شوند. اما این را که گفتیم، هم‌چنین درباره‌ی افرادی می‌اندیشیم که، وقتی مشکلات ظاهر می‌شوند، به حالت تزکیه‌شان هیچ فکر نمی‌کنند و فقط بر این تمرکز می‌کنند که این یا آن شخص چه قدر بد است و او ممکن است چه کسی باشد. اما در آن موارد، آیا این را در نظر داشته‌اید: چرا چنین شخصی در بین مریدان دافا وجود دارد، و چرا چنین چیزی اتفاق می‌افتد؟ آیا حضور این شخص به منظور این است که افراد خاصی، یا وابستگی‌های بشری خاصی را هدف قرار دهد؟ مطمئناً. در تزکیه هیچ چیزی بدون دلیل اتفاق نمی‌افتد. وقتی حالت‌های نادرست و رفتار بد بشری بین ما ظاهر می‌شود، آن چیزها آمده‌اند تا وابستگی‌های بشری را هدف قرار دهند. ما نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن را تأیید نمی‌کنیم، اما، وقتی نتوانیم به‌خوبی عمل کنیم آن‌ها از شکاف‌ها سوء استفاده می‌کنند. بنابراین، شاید این‌طور بود که مکان خاصی نیاز بود که به آن شکل مورد هدف قرار گیرد، و این دلیل آن بود که چرا یک اتفاق روی داد. وقتی چیزی از این نوع رخ می‌دهد، همه نگران می‌شوند، و فکر می‌کنند، "چرا این اتفاق روی داد و باعث شد مریدان دافا بد به‌نظر برسند، و چرا افرادی شبیه این اطراف ما وجود دارند؟" اما آیا از خودتان پرسیده‌اید که، "آیا ممکن است ما کاری اشتباه انجام داده باشیم؟" حقیقت این است که، وقتی درک شما از این مسئله درست باشد و امور را به‌درستی اداره کنید، آن افراد و رخدادها ناپدید خواهند شد، چراکه مسائل نمی‌توانند بدون دلیل بین مریدان دافا اتفاق بیفتند— این مجاز نیست، و هیچ کسی جرأت نمی‌کند این را نقض کند. هر اندازه که شیطان شرور باشد، جرأت نمی‌کند این کار را انجام دهد. عوامل نیروهای کهن به‌اندازه‌ی کافی قدرت دارند نقشی که در بین مریدان دافا به‌نمایش می‌گذارند را اجرا کنند دقیقاً به‌خاطر این که شما افکار بشری دارید که توصیف کردم و نیاز شد چنین افرادی ظاهر شوند. شما باید در این خصوص روشن باشید.

چیزهای زیادی هستند که نمی‌خواستیم، یا نمی‌توانستیم، قبلاً مورد بحث قرار دهیم. یک‌بار که درباره‌ی هر یک از این چیزها صحبت می‌کردم، اندازه‌ی آن سختی گسترش می‌یافت و اداره کردن آن سخت‌تر می‌شد. بدین علت که آن عوامل کهن فکر می‌کنند که یک‌بار که من چیزی را روشن کنم، وابستگی‌های بشری شما آن‌جا از بین نرفته خواهند ماند. [عوامل نیروی کهن] کاری می‌کردند که به‌خاطر این، آن افراد [مشکل‌دار] به سمت مخالف بروند، به مشکلات حتی بزرگ‌تری منجر می‌شد. بنابراین شما باید خودتان از آن با موفقیت بگذرید، چراکه فا به شما آموزش داده شده و شما درحال تزکیه هستید. هر چیزی می‌تواند از

طریق تزکیه حل و فصل شود. فقط موضوعی است از این که آیا به طور کوشا تزکیه می کنید. اگر واقعاً به طوری کوشا تزکیه کنید، هر چیزی می تواند حل و فصل شود.

چیزی که الان گفتیم به این منظور بود که به شما بگویم که بدون توجه به این که چه مشکلاتی ممکن است بین مریدان دافا ظاهر شوند، مطمئناً [این طور است که] افراد خاص یا وابستگی های بشری گروه خاصی از افراد را هدف قرار می دهند. قطعاً این طور است. نیروهای کهن جرأت نمی کنند به اصلاح- فا آسیب برسانند، چرا که اگر این تعهد آسیب می دید کیهان از هستی باز می ایستاد. مریدان دافا در حال کمک به استاد هستند فا را اصلاح کند، و انجام این کار آن ها، نقشی مهم و حساس را ایفا می کند. و هیچ کسی واقعاً جرأت نمی کرد به آن تلاش صدمه بزند. فقط این طور است که نیروهای کهن می خواهند این امر بر طبق خواست های خودشان پیش برود. پس همان طور که تزکیه می کنید، وابستگی های بشری شما چگونه از بین خواهند رفت؟ استاد راه های خود را دارد، در حالی که آن ها راه های خود را. اما هر موردی که باشد، به آن ها اجازه ندهید که از شکاف های شما سوء استفاده کنند، و مطمئن باشید که همان طور که تزکیه می کنید اغلب خود را مورد بررسی قرار می دهید. بدون توجه به این که چه نوع مشکلی ظاهر می شود، ابتدا درباره ی خودتان و گروهی که با آن کار می کنید فکر کنید، و به احتمال زیاد ریشه ی مشکل را خواهید یافت.

برای یک تزکیه کننده، نگاه کردن به درون یک ابزار جادویی است. راهبان و تزکیه کنندگان خاصی می گفتند، "بودا در ذهن یافت می شود." آن نیاز تزکیه ی ذهن شخص را می گفت. اجتماع بشری تقریباً در مرکز کیهان قرار دارد، در بین شکل های بزرگ تر و کوچک تر ماده. با نگاه به بیرون، به نظر می رسد که حد بیرونی وجود ندارد، طوری که چیزها آن قدر بزرگ هستند که گویی تقریباً بی انتها است. درباره ی عظمت کیهان با شما صحبت کرده ام. وقتی صحبت کردم، من به حد کامل صحبت کردم، پس از آن توقف کردم، چرا که هیچ راهی برای ادامه دادن آن نداشتم. زبان بشری دیگر کلماتی ندارد که آن را توصیف کند، و فکر بشری نمی توانست دیگر آن مفهوم را در خود داشته باشد. آن فقط می توانست با یک قابلیت خدایی فکر درک کرده شود. با نگاه به درون، آن گاه، کیهان به همان اندازه وسیع به نظر می رسد. به خاطر می آورم که یک بار فیلمی بود که نشان می داد یک قطره آب می چکد، سپس بزرگ نمایانده شد، بارها و بارها، تا بسیار عظیم شد و خود را طوری نشان داد که مولکول های بسیار زیادی از آب بود. سپس یک مولکول آب دوباره بزرگ نمایانده شد، و نشان داده شد که این مولکول آب خودش از ذرات بسیار زیادی شکل گرفته شده، و این که شکل گیری آن ذرات درست شبیه بدن های کیهانی در کیهان بود. سپس، یک چنین بدن کیهانی بیش تر بزرگ نمایانده شد، و یک ذره که یک مولکول آب در آن بدن را شکل می داد مورد مشاهده قرار گرفت. درون آن دنیای کاملی بود، با شهرها، کوه ها، و اقیانوس ها. سپس یک قطره آب از بارانی که در آن دنیا در حال چکیدن بود بزرگ نمایانده شد، و دوباره آن جهان وسیعی را آشکار کرد. این گونه آن به طور بی پایانی، بدون انتها، ادامه می یابد. البته آن فیلم نامه نویس احتمالاً اساس آن را بر برخی تئوری های علمی قرار داده بود، اما آن مفهوم آفرینی قطعاً نمی توانست از یک موجود بشری به تنهایی نشأت گرفته باشد. و در واقع، وضعیت واقعی آن چیزها از آن چه که آن فیلم نامه نویس آن را تصور کرده حتی پیچیده تر و وسیع تر است. تقریباً غیر قابل تصور است که یک ذره چه قدر می تواند کوچک باشد. درون فقط یک ذره سنگ ریزه بعد های گسترده ی بی کران، نامحدود، و عظیم و نیز تعداد نامحدود بی کرانی از موجودات ذی شعور هستند. مدرسه ی دائو آموزش می دهد که کیهان، جهان بزرگ تر است و بدن بشری، جهان کوچک تر است، اما چگونه آن می تواند محدود به فقط این باشد؟ وقتی بدن بشری را با آن چه برای آن بیرونی محسوب می شود مقایسه می کنید، به نظر می رسد که یک مقایسه ی بین کوچک تر و بزرگ تر باشد. اما در واقع، این مفهومی درست نیست. خواه روی یک شخص به سمت بیرون باشد یا به سمت درون، در هر یک از دو حالت، گستره، هم بی کران و هم بی انتها است. درجه ی کوچکی ماده، عواملی که منشأ تفکر انسان را شکل می دهند، علت پشت تمام ماده، و اصلی ترین منشأ تمامی پدیده ها-- یک روز خودتان تمامی این چیزها را خواهید دید. این ها پیچیده تر از این هستند که به آسانی بتوان تشریح کرد. (استاد می خندد)

من الان درباره ی این صحبت کردم که چگونه تزکیه لازم می داند که شخص به [سوی] درون تزکیه کند. اگر درباره ی این بیش تر صحبت کنیم، مریدان دافا محدوده ی وسیعی از مکان ها و مناطق سرتاسر دنیا را پوشش می دهند. به عبارت دیگر، در حالی

که شما این‌جا در این دنیا هستید، ممکن است ظاهر ساده‌ای از یک موجود بشری در حال تزکیه را داشته باشید، اما میدان شما می‌تواند اطراف شما را تحت تأثیر قرار دهد-- اگر آن را با اصطلاحات ساده و سطحی بیان کنیم. درواقع، کل دنیا [به قطعاتی] تقسیم شده به طوری که به هر مرید دافا یک قطعه تقسیم شده است. این در این که امور روی زمین چگونه هستند منعکس می‌شود، و مردم در این دنیا با کیهان هم‌خوانی دارند. اگر یک شخص این‌جا آمد تا فا را به دست بیاورد، پس او نماینده‌ی موجودات ذی‌شعور یک سیستم است، و پشت او سیستم عظیمی قرار دارد. و آن سیستم شبیه طوری که ذرات هستند شکل می‌گیرد، و آن قطعاً این‌جا متوقف نمی‌شود؛ این سیستم‌ها، سیستم‌های حتی ریزتر و عظیم‌تری در سطح حتی میکروسکوپی‌تری را دربر دارند. و چه تعداد ذره ممکن است نیاز باشد تا یک خدا را شکل دهد؟ تمامی آن ذرات نیز سیستم‌های عظیم غول‌آسایی هستند. در سطحی بالاتر همین ماجرا است، خود را دوباره، دوباره، و دوباره تکرار می‌کند. این‌جا روی زمین، به هر حال، این فقط یک شخص در این دنیا است. اما برای یک مرید دافا بیش‌تر وجود دارد. هر یک، منطقه‌ی بزرگی را پوشش می‌دهند، که شامل افراد بسیاری می‌شود. اگر قلب یک مرید دافا ناپایدار باشد، آن باعث تغییراتی در اطراف او خواهد شد. وقتی برای مثال شما ترس دارید، پی خواهید برد که موجودات ذی‌شعور اطراف شما کاملاً درست نیستند. وقتی تغییر می‌کنید به طوری که حضور شما برای مردم طراوت‌بخش و تعالی‌بخش است، و ذهن شما وسیع و پر از خوش‌بینی می‌شود، پی خواهید برد که چیزهای پیرامون شما به‌طور متناظری متفاوت باشند. وقتی حقیقت را روشن می‌کنید، وقتی به فا اعتبار می‌بخشید، و وقتی همان‌طور که کارها را انجام می‌دهید با چالش‌ها مواجه می‌شوید، خودتان را تعدیل و تنظیم کنید و به چیزها با افکار درست نگاه کنید. ممکن است دقیقاً ثابت کند که مؤثر باشد.

همان‌طور که اصلاح- فا به‌طور پیوسته به پیش می‌رود، این پدیده مشهودتر خواهد شد، چراکه همان‌طور که قدرت شیطان کم می‌شود قدرت شما افزایش خواهد یافت. ولی در زمان‌هایی که وابستگی‌های بشری شما شدید است و مداخله از طرف شیطان و عوامل بد وجود دارد، درعوض، این‌طور خواهد بود که وقتی شما قوی‌تر می‌شوید آن ضعیف‌تر می‌شود، و وقتی شما ضعیف‌تر می‌شوید آن قوی‌تر می‌شود. همان‌طور که اصلاح- فا به پیش می‌رود و عوامل بد بیش‌تر نابود و ضعیف می‌شوند، تا مرحله‌ای که حریف شما نباشند، قدرت شما خود را نشان خواهد داد که قوی‌تر و قوی‌تر باشد. در آینده، در مرحله‌ی خاصی، به‌طور فزاینده‌ای خواهید دید که مریدان دافا قدرت‌شان را متجلی می‌کنند، گرچه رسیدن به آن مرحله به معنی این خواهد بود که انتها رسیده است-- پایان پایان. بنابراین، همان‌طور که مریدان دافا به اعتباربخشی به فا و نجات موجودات ذی‌شعور می‌پردازند، رویکرد، حالت ذهن، و روش آن‌ها درخصوص انجام کارها همگی حیاتی هستند، چراکه چنین چیزهایی می‌توانند تعیین کنند چه تغییراتی در این دنیا به‌وقوع می‌پیوندد. یک شخص منفرد می‌تواند نتیجه‌ی چیزها در گستره‌ی خاصی را تعیین کند، و وقتی درباره‌ی تعداد حتی بیش‌تری از مریدان دافا در حال صحبت هستیم-- از آن‌جا که تعداد بسیار زیادی از مریدان دافا وجود دارند، حتی ده‌ها میلیون-- یک‌بار که ذهن‌شان را روی چیزی بگذارند، این چیزی است که باید آن را به حساب آورد.

در آن ایام گذشته، مریدان دافا تغییر بزرگی برای اجتماع چین به ارمغان آوردند. وقتی تعداد زیادی از تزکیه‌کنندگان وجود داشت، افراد خوب و اعمال خوب‌شان یکی پس از دیگری پدیدار شدند. روزنامه‌ها همه‌جا درباره‌ی این گزارش می‌دادند که مریدان دافا چگونه عمل کردند و آن‌ها چه قدر خوب بودند، و ایستگاه‌های رادیویی، پخش‌کننده‌های اخبار، و ایستگاه‌های تلویزیونی در حال تولید چنین گزارشاتی بودند. با این حال، جریان مثبت تمامی این چیزها، شروع کرد عوامل منفی را برانگیخته کند. در سه‌قلمرو، رواج و بازداری دوگانه وجود دارد، چراکه جامعه‌ی بشری یک جامعه‌ی خدایی نیست، بلکه، جامعه‌ای است که خوب و اهریمن باهم وجود دارند. حتی بدن یک شخص به‌طور هم‌زمان از هر دو عامل، خوبی و اهریمنی تشکیل شده است. این برای عناصر مادی در جهان نیز صدق می‌کند، شامل غذاهای ابتدایی که می‌خورید. عواملی که شما را می‌سازند خودشان ماده از این بعد هستند. وقتی خردمند باشید و اعمال شما مهربانانه باشد، پس در حال نشان دادن سرشت بودایی هستید، که شن است. وقتی شخصی غیرمنطقی باشد، از روی هوس و بدون پیش‌اندیشی رفتار کند، خشمگین و عصبانی شود، یا حتی هرگونه ظاهر اندیشیدن و تعقل را از دست بدهد، تمام آن‌ها به‌منزله‌ی سرشت اهریمنی است. فقط این‌طور است که هر یک تا درجات متفاوتی ابراز می‌شوند. بنابراین، همان‌طور که در این وضعیت دنیایی، موجودات ذی‌شعور را نجات می‌دهید و به فا اعتبار می‌بخشید،

موجودات ذی‌شعور نیز آن حالت‌هایی را که توصیف کردم به نمایش می‌گذارند. وقتی درحال روشن‌گری حقیقت هستید، آن افرادی که با آن‌ها برخورد می‌کنید، افرادی هستند که تا درجات مختلفی خوبی و اهریمنی در درون آن‌ها است. اما، گرچه خوبی و اهریمنی باهم در این دنیا وجود دارند، ولی شن چیزی است که باید اجتماع بشری را پاسداری و حفاظت کند. بشریت ممکن است فاقد اصولی باشد که نهایتاً درست هستند، اما آن یک وضعیت وجود جهانی دارد که هرکسی که با آن موافق است باید توسط شن حفظ و نگهداری شود. بنابراین همان‌طور که حقیقت را روشن می‌کنید، باید با آگاهی و خردمندی این کار را انجام دهید. اگر شما، به‌عنوان مریدان دافا، می‌خواهید که وقتی حقیقت را روشن می‌کنید روی شخص تغییری ایجاد کنید و می‌خواهید او را نجات دهید، نباید عناصر منفی در آن شخص را بیدار و برانگیخته کنید. باید شن داشته باشید، و فقط آن‌گاه می‌توانید مشکلاتی را که ممکن است پدیدار شوند حل و فصل کنید و آن شخص را نجات دهید.

من درباره‌ی این که شن چیست با شما صحبت کرده‌ام. برخی خواهند گفت که شن وقتی است که به کسی لبخند می‌زنید و با مهربانی و خون‌گرمی با کسی رفتار کنید. اما آن فقط به‌منزله‌ی این است که یک موجود بشری درحال نشان دادن صمیمیت است. شن واقعی چیزی است که یک تزکیه‌کننده در روند تزکیه و تزکیه‌ی خوبی به آن نائل می‌شود، و این یک شن واقعی است که از طریق تزکیه کسب می‌شود. وقتی با موجودات ذی‌شعور تعامل دارید، برای شما امکان‌پذیر نیست که جنبه‌ی خدایی به‌طور موفقیت‌آمیز تزکیه‌شده‌تان را به‌طور کامل نمایش دهید، چراکه هنوز هم جنبه‌ای بشری دارید که تزکیه‌اش هنوز تمام نشده است. وقتی لازم باشد، باید مانند یک تزکیه‌کننده خردمند و خوش‌فکر باشید، بگذارید مسئولیت‌ها و افکار درست‌تان شما را سرپرستی و هدایت کند، و فقط آن‌گاه شن واقعی‌تان نمایش داده خواهد شد. این چیزی است که تفاوت بین یک تزکیه‌کننده و یک موجود خدایی می‌باشد. و این چیزی است که معنی نیک‌خواهی می‌باشد— نه برخی نمایش‌های از روی قصد، تجلی ترجیح دادن بشری این یا آن، یا مانند این که، "اگر با من خوب باشی، آن‌گاه نسبت به تو شن خواهم داشت." آن بدون قید و شرط تقدیم می‌شود و هیچ فکری از پاداش ندارد— آن کاملاً برای خاطر موجودات ذی‌شعور است. وقتی این خوبی نیک‌خواهانه سربرآورد، قدرت آن معادلی ندارد، و هر عامل بدی را متلاشی خواهد کرد. هرچه نیک‌خواهی بیش‌تر باشد، قدرت بیش‌تر است. اجتماع بشری در گذشته هرگز اصول واقعی نداشته است تا آن را راهنمایی کند، بنابراین انسان مشکلات خود را از طریق شن حل و فصل نکرده است. به‌جای آن، انسان همیشه مسائل را از طریق جنگیدن و به‌تسخیر درآوردن حل و فصل کرده است، و از این رو این، هنجار و معیار انسان شده است. اگر انسان بخواهد خدایی شود و از وضعیت بشری فراتر رود، پس باید آن قالب ذهنی را رها کند و برای حل و فصل مسائل از نیک‌خواهی استفاده کند.

نیک‌خواهی یک انرژی عظیم است، انرژی خدایان راستین. هرچه نیک‌خواهی بیش‌تری حضور داشته باشد، این انرژی بیش‌تر می‌شود، و می‌تواند هر چیزی که بد است را متلاشی کند. این چیزی است که هرگز آموزش داده نشده است، خواه شاکيامونی باشد یا تزکیه‌کنندگان گذشته. بزرگ‌ترین تجلی شن نیک‌خواهی است، و این نمایشی از انرژی عظیم است. آن می‌تواند تمامی چیزهایی که درست نیست را متلاشی کند. و به‌طور طبیعی، قدرت نیک‌خواهی شما متناسب با سطح‌تان رشد خواهد کرد، به‌عبارتی دیگر، آن توسط سطح تزکیه‌تان تعیین می‌شود. این قدرت توسط ارتفاع نهایت درجه‌ی یک شخص تعیین می‌شود، مطمئناً این‌طور است.

چیزی که الان آموزش دادم به این منظور بود که به شما بگویم در روشن‌گری حقیقت و نجات موجودات ذی‌شعور در این زمان حتی بهتر عمل کنید، و صحبت کردم که چگونه بهتر انجام دهید. صحبت من حول و حوش این چیزها بود. نمی‌خواهم این‌بار زیاد صحبت کنم چراکه در کنفرانس پیشین پرسش‌ها را برای شما پاسخ دادم. هر چه قدر بیش‌تر هم صحبت کنم به‌منزله‌ی تشریح جوان‌فالون خواهد بود، و هر چه از طرف من بیش‌تر بیان شود، برای شما کم‌تر خواهد بود که خودتان درباره‌ی آن‌ها بیندیشید. بنابراین نمی‌خواستم زیاد صحبت کنم. به‌همین دلیل است که در سال‌های اخیر زمان زیادی را برای آموزش فافا صرف نکرده‌ام. چیزهایی وجود دارد که باید برای شما باقی بماند تا خودتان شخصاً از میان آن‌ها تزکیه کنید و از میان آن‌ها به بلوغ برسید. اگر استاد هر چیزی را به شما آموزش می‌داد، همگی آن‌ها را به تشریح بیان می‌کرد، هر آن‌چه که انجام می‌دادید دیگر به‌عنوان تزکیه‌ی شما به‌حساب نمی‌آمد. من صحبت خواهم کرد اگر و زمانی که مشکلات بزرگی پدیدار شوند. به‌هرحال، اگر

چیزی وجود نداشته باشد که سد راه تلاش‌های مریدان دافا برای اعتباربخشی به فا و نجات موجودات ذی‌شعور باشد، آن‌گاه نخواهم آمد تا صحبت کنم. در نبود مشکلات گسترده‌ی چشم‌گیر که مربوط به کل بدن باشد، چیزی نخواهم گفت. چیزی که می‌خواهم این است که خودتان راه خود را هموار کنید.

فکر می‌کنم این تمام چیزی است که خواهم گفت. شما باید کنفرانس فای خود را ادامه دهید. این بار آمدم تا شما را ببینم. می‌دانم که برخی از کشورهای دیگر آمدند، و فاصله‌ی زیادی سفر کردند. یک دلیل برای برگزاری کنفرانس فا این است که، شما، شرکت‌کنندگان، از یکدیگر و نقاط قوت همدیگر یاد بگیرید، ضعف‌های‌تان را جبران کنید. به این منظور است که به شما کمک کند مسیرتان را بهتر ببینید و در تزکیه و اعتباربخشی به فا بهتر عمل کنید. و البته، دلیل دیگری که من این‌جا هستم این است که بسیاری از افراد می‌خواستند که استاد را ببینند. از این آگاه بودم. (تشویق پرشور) من نیز می‌خواستم شما را ببینم، بنابراین آمدم. (تشویق پرشور) بسیار خوب، این‌جا خاتمه می‌دهم. از همگی شما متشکرم! (تشویق پرشور)